

The Role of Science Diplomacy in Expanding Relations between Iran and Latin America: A Case Study of Venezuela

Alireza Estaji¹

MA in International Relations, Allameh Tabataba'i University

Alireza Koohkan²

PhD in International Relations, Allameh Tabataba'i University

Received: 2026/02/04 | Accepted: 2026/03/06

Abstract

To advance a successful foreign policy in today's highly tense global environment, it is necessary to initiate cooperation in non-sensitive domains in order to pave the way for collaboration in sensitive political areas and to deepen existing partnerships. Many of the challenges facing humanity today are transnational in nature and require regional and global solutions. For this reason, a new role for science must be defined within international policymaking and diplomacy. The intersection of science and diplomacy becomes evident where scientific interests and foreign policy objectives converge. Accordingly, the main question of this article is how science diplomacy can contribute to the expansion of relations between Iran and Latin America, with particular emphasis on Venezuela. The article's hypothesis is that science diplomacy—through deepening social relations, strengthening public diplomacy, and improving the image of regional cooperation—can facilitate the spillover of cooperation from non-sensitive areas into sensitive political domains and ensure the sustainability of such cooperation. This qualitative study employs a descriptive-analytical method. To address the main research question, the article examines the concept of science diplomacy and functionalist theory, analyzes the dimensions of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran during the Thirteenth Administration, and discusses the role of science diplomacy in initiating political interactions, expanding economic relations, deepening social ties, and improving Iran's public image among Latin American countries, concluding with final findings.

Keywords: Science Diplomacy; Foreign Policy; Latin America; Thirteenth Administration; Venezuela.

1. E-mail: alireza.76.sj@gmail.com

2. E-mail: koohkan@atu.ac.ir



نقش دیپلماسی علمی در گسترش روابط ایران و آمریکای لاتین: مطالعه موردی ونزوئلا

علیرضا استاجی^۱

کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

علیرضا کوهکن^۲

دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶

چکیده

برای پیشبرد سیاست خارجی موفق در جهان پرتنش کنونی، نیاز به شروع فعالیت در حوزه های غیرحساس است تا بتوان از آن برای رسیدن به همکاری در حوزه های حساس سیاسی استفاده کرد و همچنین همکاری ها را عمق لازم بخشید. بسیاری از چالش های امروزه زندگی بشر، فراملی هستند و نیاز به راه حل های منطقه ای و جهانی دارند. به همین دلیل لازم است که نقش جدیدی برای علم در سیاست گذاری های بین المللی و دیپلماسی تعریف شود. ارتباط بین علم و دیپلماسی در جایی که منفعت علم و منفعت سیاست خارجی به هم می رسند، نمود پیدا می کند. بر همین اساس، سوالی اصلی نوشتار عبارتست از اینکه دیپلماسی علمی چگونه می تواند در گسترش روابط ایران و آمریکای لاتین با تاکید بر کشور ونزوئلا نقش ایفا کند. فرضیه مقاله این است که دیپلماسی علمی از طریق تعمیق روابط اجتماعی، گسترش موفقیت دیپلماسی عمومی و بهبود تصویر همکاری منطقه ای، می تواند باعث سرریز روابط حوزه غیرحساس به همکاری در حوزه های حساس سیاسی شده و دوام بیشتر همکاری ها را تضمین کند. این پژوهش از نوع کیفی بوده و روش مورد استفاده در مقاله توصیفی تحلیلی است. برای پاسخ به سوال اصلی، ضمن بررسی تعریف دیپلماسی علمی و نظریه کارکردگرایی، ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت سیزدهم بررسی شده و نقش دیپلماسی علمی در شروع تعاملات سیاسی، گسترش روابط اقتصادی، تعمیق پیوندهای اجتماعی و بهبود تصویر عمومی از کشور در میان کشورهای آمریکای لاتین به بحث گذاشته شده و در انتها نیز نتیجه آمده است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی علمی، سیاست خارجی، آمریکای لاتین، دولت سیزدهم، ونزوئلا.

1. E-mail: alireza.76.sj@gmail.com

2. E-mail: koohkan@atu.ac.ir

آمریکای لاتین در مقابل آمریکای انگلیسی تبار آمریکا و کانادا منطقه ای می باشد، شامل مکزیک آمریکای مرکزی آمریکای جنوبی و کارائیب که بیست کشور منجمله جمهوری بولیواری ونزوئلا را در برمی گیرد (ملکوتیان و همکاران ۱۳۸۸: ۲) و با مساحتی معادل ۲۱ میلیون کیلومتر مربع جمعیتی معادل ۶۴۰ میلیون نفر را در خود جای داده است (۲۰۱۷، ESA.UN.org). در مورد روابط بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین می توان گفت که تاریخچه روابط بین این دو منطقه به سال ۱۹۰۲ برمی گردد، یعنی زمانی که اسحاق خان مفخم الدوله وزیر مختار ایران در واشنگتن مسافرت هایی به آمریکای جنوبی داشت و عهدنامه های مودت و تجارت با کشورهای مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی امضا کرد با این حال برقراری روابط سیاسی و سفارت در این کشورها در حدود سی سال بعد یعنی در دوره رضاخان پهلوی عملی شد (حاضری، ۱۳۹۵: ۸۸)

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین متأثر از نظام بین المللی و فضای غالب بر آن جنگ سرد و نیز موقعیت ایران و کشورهای منطقه در راهبرد کمونیست ستیزی ایالات متحده قرار داشت. در بعد اقتصادی درآمدهای نفتی ایران مورد توجه کشورهای آمریکای لاتین قرار گرفت با توصیه آمریکا، ایران در برخی کشورهای منطقه نظیر برزیل سرمایه گذاری کرد و کشور پرو در اخذ اعتبارات بلندمدت از کشورمان گامهایی برداشت از سوی دیگر با توجه به رونق مسیر تجاری ایران و ایالات متحده، کشور ایران به بازارهای آمریکای لاتین وابستگی نداشت (همان) پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران جمهوری اسلامی از حلقه استراتژیک کمر بند امنیتی غرب علیه اتحاد جماهیر شوروی خارج شد. در این دوره ویژگی استقلال طلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و پیام انقلاب اسلامی موجب شد که محدودیتهای دوران جنگ سرد برای گسترش روابط در چارچوبهای تعریف شده در دو بلوک غرب و شرق از بین برود.

دیپلماسی علمی به عنوان یکی از روش های مهم در تقویت روابط بین کشورها، نقش بسیار مهمی در گسترش روابط ایران و آمریکای لاتین، به ویژه در مطالعه موردی ونزوئلا،

ایفا می‌کند. دیپلماسی علمی به معنای استفاده از دانش علمی و فناوری برای تقویت روابط بین کشورها و تبادل دانش و تجربیات است. در این راستا، همکاری‌های علمی و فناوری می‌تواند به توسعه مشترک و تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین ایران و ونزوئلا کمک کند. ایران و ونزوئلا هر دو دارای پتانسیل‌های علمی و فناوری بالا هستند.

ایران با داشتن تجربیات گسترده در زمینه‌هایی مانند نفت و گاز، کشاورزی، داروسازی و غیره، می‌تواند این تجربیات را با ونزوئلا به اشتراک بگذارد. از طرف دیگر، ونزوئلا نیز می‌تواند تجربیات خود را در زمینه‌هایی مانند تولید برق، توسعه شهری، توسعه اقتصادی و غیره با ایران به اشتراک بگذارد. این تبادل دانش و تجربیات می‌تواند به توسعه مشترک و تقویت روابط بین ایران و ونزوئلا کمک کند. علاوه بر این، همکاری‌های دانشگاهی و تحقیقاتی نیز می‌تواند به وسیله دیپلماسی علمی تقویت شود. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایران و ونزوئلا هر دو دارای قدرت و استعداد علمی بالا هستند. با استفاده از دیپلماسی علمی، می‌توان این دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی را به هم معرفی کرده و همکاری‌های مشترک در زمینه‌هایی مانند تحقیقات علمی، تبادل دانشجویان و محققین، تبادل اساتید و غیره را توسعه داد. این همکاری‌ها می‌تواند به تقویت روابط دانشگاهی و تحقیقاتی بین ایران و ونزوئلا کمک کند. بنابراین، با توجه به پتانسیل‌های علمی و فناوری ایران و ونزوئلا، و با استفاده از دیپلماسی علمی، می‌توان روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تحقیقاتی بین این دو کشور را تقویت کرده و به توسعه مشترک و تقویت روابط بین ایران و ونزوئلا کمک کرد. این مقاله قصد دارد نقش دیپلماسی علمی در توسعه روابط ایران و ونزوئلا، به عنوان یک مورد مهم بررسی کند.

۱. پیشینه پژوهش

اچوریاکینگ و همکارا (۲۰۲۳) به بررسی همکاری‌های علمی بین آمریکای لاتین و اروپا پرداختند. هدف این مقاله تحلیل چگونگی انجام همکاری‌های علمی بین محققان آمریکای لاتین و اروپایی، مشاهده روندها، رفتارها و ادراکات است. روش‌شناسی کیفی و تحلیل داده‌های تجربی جمع‌آوری شده از طریق یک نظرسنجی امکان استخراج تجربیات مرتبط از موارد واقعی پروژه‌های مشترک بین‌المللی را فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد



بین‌المللی‌سازی تحقیقات را از نظر تحرک، همکاری‌های علمی بین‌المللی و تبادل دانش با بازیگران کم‌نمایش در طرح‌های علمی بین‌المللی سنتی، مانند جوامع بومی، تسهیل می‌کند. توتن و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی روسیه در آمریکای لاتین پرداختند. این مقاله تحقیقاتی بر اساس رویکرد نظریه دو خوب، تمرکز آن بر تغییر و حفظ وضعیت موجود و مفهوم جایگزین‌پذیری، استراتژی سیاست خارجی روسیه در قبال ونزوئلا را برای تبیین اولویت‌های سیاست با بررسی اتحاد با رژیم مادورو ونزوئلا شرح می‌دهد. علاوه بر این، این مقاله پیوند بین ویژگی‌های ملموس امنیت انرژی و فروش تسلیحات و جنبه‌های نامشهود مانند دیپلماسی فرهنگی را که عوامل توضیحی مهم حمایت روسیه از ونزوئلا هستند، برجسته می‌کند.

حسینی و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی مقایسه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ج. ا. ایران و ونزوئلا در دوره ریاست‌جمهوری دانشجویان و تأثیرات اقتصادی پرداختند. تحریم بخشی از دیپلماسی حاکم بر جهان کنونی است که کشورها از آن به‌عنوان ابزاری برای ارتقای منافع خود در سیاست خارجی استفاده می‌کنند. آمریکا در سیاست خارجی همواره از تحریم به‌عنوان ابزاری علیه کشورهای غیر هم‌سو با خود استفاده کرده است. ازجمله این کشورها می‌توان به جمهوری اسلامی ایران و ونزوئلا اشاره کرد که در طی دوره‌های متمادی، به‌خصوص در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ با تحریم‌های شدیدی روبه‌رو شده‌اند. سؤال نوشتار پیش رو این است که تشابه و تفاوت‌های تحریم‌های اعمالی علیه ایران و ونزوئلا چیست؟ و چه تأثیراتی بر اقتصاد دو کشور داشته است؟ مقاله بر این فرضیه استوار است که تحریم‌های ایران و ونزوئلا به لحاظ موضوعی و محتوایی شباهت‌های فراوانی با همدیگر دارند و در بخش آثار اقتصادی پیامدهای یکسانی ازجمله کاهش تولید و صادرات نفت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تورم و بیکاری را تجربه کرده‌اند. از آنجا که پژوهش به لحاظ ماهیت مقایسه‌ای بود برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و برای تجزیه و تحلیل آن از روش تحلیلی - تبیینی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد هرچند که تحریم‌های مذکور، در مقایسه با ونزوئلا بخش‌های گسترده‌تری از اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده است، اما به لحاظ اثربخشی، تأثیر آن بر اقتصاد ونزوئلا مخرب‌تر بوده است. همچنین در حالی که درمورد ایران بیشتر تحریم‌ها

حاصل دستورهای اجرایی رئیس جمهور بود؛ در خصوص ونزوئلا، کنگره مشارکت جدی تری داشته است. به نظر می رسد وابستگی شدیدتر ونزوئلا به درآمدهای نفتی، منازعات شدید داخلی و تجربه کم تر این کشور برای مقابله با تحریم ها، باعث افزایش آثار تخریبی آن ها نسبت به ایران شده است.

رضوی و همکاران (۲۰۲۱) بررسی راهبردها و سیاست های ضد تحریمی تجارت نفت ونزوئلا و مقایسه آن با راهبردهای ایران پرداختند. این مقاله پس از بررسی اثرات تحریم بر صنعت نفت این دو کشور، به دنبال پاسخ به این پرسش ها است که راهبرد های ضد تحریمی ونزوئلا برای مقابله با تحریم های نفتی ایالات متحده آمریکا چیست؟ و در شرایط تحریمی کنونی، روابط میان کشورهای تحریمی در حوزه تجارت نفت و گاز چگونه می تواند آسیب های ناشی از تحریم های نفتی را مدیریت کند؟ همچنین، تفاوت و شباهت های راهبردهای ضد تحریمی این دو کشور برای تجارت نفت کدام است؟ روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع تحلیل اسنادی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام می شود. نتایج پژوهش همچنین نشان می دهد با توجه به تحریم های هوشمند فعلی باید در عرصه در کشورهای تحریم شده، ساخت مخازن ذخیره سازی در داخل و خارج از کشور، بورس نفت داخل کشور و پروژه های توسعه ای کشور توسط شرکت های خارجی با بهره مندی از درآمدهای نفتی برای مقابله با تحریم استفاده گردد.

کاردوزو و نینو (۲۰۲۳) به بررسی ایران و ونزوئلا: از رئالیسم پیرامونی تا دیپلماسی تاب آور (۱۹۹۹-۲۰۲۳) پرداختند. هدف این مقاله نشان دادن این است که تهران و کاراکاس توانسته اند پویایی های نظام بین الملل را دور بزنند و راه های جایگزینی را برای بقای نظم لیبرال از طریق دیپلماسی انعطاف پذیر ایجاد کرده اند. که با توجه به شواهدی که ارائه می کنیم، از نظریه رئالیسم پیرامونی، نه به عنوان یک پیشرفت معرفت شناختی، بلکه به عنوان واقعیت های تجربی سیاست خارجی هر دو، پیشی می گیرد. ایران و ونزوئلا دو مرحله دیپلماتیک انقلابی را توسعه داده اند که به دو مقطع حساس در روابط خود با نظام بین الملل لیبرال (SIL)، مرحله شورشی (چاوز-احمدی نژاد) و چالش هایی که در آن مفاد واقع گرایی پیرامونی تحقق می یابند، پاسخ می دهد و متعاقباً دیپلماسی انعطاف پذیر است. (مادورو-رانیسی) که به ما امکان می دهد بر فشارها و مجازات های SIL غلبه کند



تی (۲۰۱۷) به بررسی نظریه نقش و تحلیل سیاست خارجی در آمریکای لاتین پرداخت. این مقاله چارچوبی برای درک روابط خارجی آمریکای لاتین از طریق استفاده از تئوری نقش تحلیل سیاست خارجی (FPA) ایجاد می کند. استفاده از نقش ها برای توصیف و تحلیل روابط بین دولتی منطقه ای قبلاً در ادبیات آمریکای لاتین یافت شده است، اما این مطالعات از طیف کامل مفاهیم و مفاهیم نظری مرتبط با نظریه نقش برای تجزیه و تحلیل منطقه استفاده نکرده اند. این مقاله گونه شناسی ایالت ها را با مفاهیم نقش ملی مرتبط (NRCs) توسعه می دهد و انتظاراتی را برای منابع آن NRC ها و همچنین عناصری از فرآیندهای اجرای نقش و مکان یابی نقش برای کشورهای آمریکای لاتین ایجاد می کند. این مقاله سپس کاربرد این چارچوب را از طریق تحلیل مختصری از فرآیند مکان یابی نقش برای ونزوئلا در دوران ریاست جمهوری هوگو چاوز نشان می دهد. تجزیه و تحلیل NRC های انتخاب شده توسط رهبر ونزوئلا، و استقبال از آنها توسط شرکای نقش و مخاطبان کشورهای علاقه مند در طول فرآیند مکان یابی نقش، ثمربخشی نظریه نقش را برای درک روابط منطقه ای آمریکای لاتین نشان می دهد. این تحلیل همچنین تغییراتی را برای خود نظریه نقش FPA در نتیجه پرونده ونزوئلا پیشنهاد می کند. خو (۲۰۱۶) به بررسی مشارکت استراتژیک چین در آمریکای لاتین پرداخت. چین یک مکانیسم دیپلماتیک برای گسترش نفوذ بین المللی خود از طریق ایجاد مشارکت های استراتژیک (SPs) ایجاد کرده است. این مطالعه نشان می دهد که مشارکت های استراتژیک نامتقارن هستند که در آن چین از جنبه های مختلف بیش از چهار کشور آمریکای لاتین سود می برد. ونزوئلا در سال ۱۹۴۶ با دستیابی به توافقنامه ۵۰-۵۰ یا Fifty-Fifty، ژئواکونومیک نفت را اصلاح کرد که یک رابطه درآمدی جدید با شرکت های نفتی بود. دولت کاراکاس فرستادگانی را به خاورمیانه فرستاد تا یک ماموریت لابی کنند تا پنجاه و پنجاه توسط آن کشورها پذیرفته شود تا از رقابت در وضعیت نامطلوب مالیاتی اجتناب شود. (Egaña, 1990)

انقلاب ایران (۱۹۷۹) و در نهایت از طریق انقلاب چاوینستا بیست سال بعد (۱۹۹۹) به روابط ایران و ونزوئلا نفوذ کرد. هر دو داستان های ضد امپریالیستی هستند که با شورششان علیه ایالات متحده توسط نفت متحد شده اند، که در نهایت منجر به یک استعداد نافرمانی

برای SIL می‌شود. اوپک به تأثیرگذارترین کارتل در بازارهای انرژی تبدیل شد که به موازات آن، اعضای موسس آن، با سازماندهی خود، خواه ناخواه، نوعی کارتل سرکش یا نه چندان مطیع ایجاد کردند، زیرا شرکت‌های چندملیتی کمتر و کمتر خواهند داشت. کنترل بر منابع، و بحران‌های نفتی در نهایت یک سلاح ژئواکونومیکی برای روایت‌های ضد آمریکایی، ضد اسرائیلی و ضد اروپایی عرب بود: «این انتقام پورتیرز است!» اعراب در اولین بحران قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ فریاد زدند. (ترترایس، ۲۰۱۹) در سال ۱۹۷۴، ایالات متحده جنگ صلیبی علیه اوپک را رهبری کرد که اولین ابتکار آن ایجاد آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در سال ۱۹۷۴ بود. به جز فرانسه، مهم‌ترین قدرت‌های تقاضاکننده نفت اعضای این ضد کارتل جدید نفت بودند. شرکت‌هایی که اهداف اصلی آنها ایجاد مازاد انرژی با ترکیبی متنوع از استراتژی‌ها و ابزارها بود (امیراحمدی، ۱۳۷۲: ۱۴۴)

دیپلماسی انعطاف‌پذیر به عنوان نقطه عطفی پیکربندی شده است که در آن بازیگران پیرامونی از آستانه به حاشیه راندن انحصاری عبور می‌کنند تا بر حملات موقعیت خود در سیستم غلبه کنند. در مکانیسم‌ها و حالت‌های سازگاری برای بقا و اجتناب از آسیب‌پذیری‌ها تحقق می‌یابد (زبروسکی، ۲۰۱۵). زمانی که بحران ونزوئلا در حال افزایش بود، گفت: «ما به یکدیگر کمک می‌کنیم. من معتقدم که تجربه ایران به ما کمک می‌کند ظرفیت مدیریتی خود را تقویت زوال فناوری صنعت نفت و تحریم‌های آمریکا کنیم (رویترز، ۲۰۲۰) همانطور که رئالیسم پیرامونی نشان می‌دهد، از سال ۲۰۱۳، ونزوئلا شروع به پرداخت عواقب چالش خود به ایالات متحده می‌کند. دو دهه بعد، این کشور تولیدکننده نفت تحریم می‌شود، مسدود می‌شود و صنعت آن سقوط می‌کند. این زمانی است که انعطاف‌پذیری دیپلماتیک ایران و ونزوئلا آغاز می‌شود و از انحراف انتقادی در نام‌گذاری چاوایسمو اجتناب می‌شود، زیرا دلیلی تاریخی جوانه زده است که هم تهران و هم کاراکاس را بر این باور می‌آورد که آمریکا و قانون‌گذاران را می‌توان دور زد؛ اکنون واشنگتن باید بازی طولانی را در ونزوئلا انجام دهد. (Shifter, 2023) ایران تلاش کرده تا صنعت ویران شده نفت ونزوئلا را احیا کند، بخشی از آن به دلیل تحریم‌های آمریکا، اما اساساً به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و فساد است.

در ادامه مقاله، به بررسی مفاهیم دیپلماسی علمی، نقش دیپلماسی علمی در تقویت



روابط دوستانه و تحقق توسعه پایدار با کشورهای امریکای لاتین مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از این رو با توجه به نوآوری موضوع مقاله و تحلیل دیپلماسی علمی دولت ۱۳ با استفاده از منابع معتبر، سعی در بررسی اثر بخشی دیپلماسی علمی در تعاملات دولت ۱۳ با کشورهای امریکا لاتین میکند.

۲. دیپلماسی علمی

امروزه دیپلماسی به انواع گوناگونی تبدیل شده می باشد؛ از جمله دیپلماسی مهارت، دیپلماسی عمومی، و غیره. دیپلماسی علمی نیز به منزله یکی از ابعاد جدید در دیپلماسی مطرح شده است. هر اندازه که دولت ها در به دست آوردن نفوذ در عرصه بین المللی به علت افزایش کنشگران و بازیگران با مشکلات بیشتری روبه رو می شوند، جوامع علمی به مثابه کنشگران جدید علمی درک میشوند. نقش این جوامع هم در تغییرات شناختی و هم سیاسی میتواند ابزار مفیدی در برسازی روابط مستحکم تر یا افکار عمومی دولت های خارجی درک شود. در نتیجه دیپلماسی علمی در جایگاه نوع جدید دیپلماسی ظاهر شده است. گرچه دیپلماسی علم به معنای به کارگیری علم برای اهداف سیاسی است، اما نباید دیپلماسی علمی را مفهومی صرفاً سیاسی قلمداد کرد. دیپلماسی علم هدفی سیاسی و بستری سیاسی را میطلبد، اما این بدان معنا نیست که این رویکرد مفهومی صرفاً سیاسی می باشد. (رضوی، ۲۰۲۱: ۳۵۱)

در دیپلماسی علمی باید منافع اقتصادی لحاظ شود، اما این منافع اقتصادی از طریق بستری سیاسی و علمی حاصل میشود، بنابراین دیپلماسی علمی مفهومی چندبعدی در نظر گرفته میشود که میتوان هر سه بعد سیاست، اقتصاد، و علم را در آن مشاهده کرد. با توجه به مطالب فوقال ذکر میتوان گفت دیپلماسی علمی طیف گستردهای از تبادلات رسمی یا دولت ها زمانی دیپلماسی علمی را دنبال میکنند، که منافع ملیشان ایجاب کند. در نظام بینالملل آثار دیپلماسی غیررسمی در حوزه های فنی، تحقیقمحور، دانشگاهی، فناورانه، و ... را دربرمیگیرد.

در حالی که دیپلماسی اقتصادی، دفاعی، و عمومی ابزارهای قابل اتکایی برای افزایش نقش و جایگاه کشورها در عرصه بینالمللی اند، امروزه نمیتوان از نقش دیپلماسی علمی در

افزایش قدرت و نقش یک کشور در عرصه بین‌المللی غافل بود. امروزه نوع سنتی دیپلماسی برای حل و فصل تعارضات ناکافی است و لازم است که انواع دیگر دیپلماسی نیز به کار رود. در این چهارچوب دیپلماسی علمی اهمیت پیدا میکند. حتی اگر علم با اهداف سوء مورد توجه قرار گیرد، دیپلماسی علمی بدین معنی می باشد که همکاری علمی میتواند از راه حل های صلح آمیز حمایت کند. در این باره کارشناسان و صاحب نظران تعاریف متفاوت و متنوعی برای تبیین و شرح واژه دیپلماسی علمی ارائه کرده اند، اما طیف این واژه بسیار گسترده است و تمامی تعاملات رسمی و غیررسمی علمی، پژوهشی، آموزشی، فناوری، و نوآوری در سطح دانشگاهی را شامل میشود (موسوی موحدی، ۱۳۹۲: ۷۲) از آنجایی که هیچ اقتدار در عرصه بین المللی وجود ندارد، وضعیت آتارشی و جنگی به اصل حاکم در نظام بینالملل تبدیل میشود. بنابراین استفاده از جنگ و دیپلماسی در نظام بین الملل مدرن اصلی حیاتی است. (Rosenau, ۲۰۰۰: ۳)

اهمیت دیپلماسی، به ویژه دیپلماسی علمی، در این مورد بسیار چشمگیر می باشد. از نظر واقع گرایان مبادلات علمی تا زمانی که باعث افزایش قدرت نسبی یک کشور در عرصه بینالمللی میشود امری مطلوب است. بنابراین علمی ابتدا با هدف کنترل تسلیحات و موضع منع گسترش، که خود بخشی از نگرانی های امنیت ملی را شکل میدهد، به کار میرود. با وجود این، جایی که منفعت ملی کشورها به خطر بیفتد کشورها همکاری نکردن در حوزه های علمی را ترجیح میدهند. با این اوصاف، دیپلماسی علمی بیشتر پارادایمی دولت محور است و معمولاً از طریق نهادهای حکومتی دنبال میشود که خود بیانگر مرکزیت دولت در پارادایم رئالیست می باشد. دیپلماسی علمی که دولت ها آن را دنبال میکنند اثرگذاری و پایداری بیشتری دارد، زیرا اولویتی برای قدرت در پارادایم رئالیست وجود دارد و دیپلماسی علمی میتواند به منزله ابزار قدرت نرم برای تقویت روابط با جهان به کار رود. هدف از این همکاری رفع موانع موجود، بهبود تبادلات و همکاری های دیپلماتیک، و یا دیگر فعالیت هایی می باشد که در آنها توافق نظر و درک واضح و روشن ضروری می باشد به طور کلی، در این حالت علم پشوانه تحقق اهداف سیاست خارجی تلقی میشود. (معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۲-۳)

با وجود این، علم ماهیتاً نمیتواند خنثی باشد، بنابراین نیروهای بازار آن را به پیش



میرانند. به خصوص هنگامی که دیپلماسی علمی با فناوری همراه شود نقش بازار بیش تر میشود. فناوری در قیاس با علم غالباً در مورد بازار معنا پیدا میکند. روابط فناوری و تجارت در حوزه فناوری های نوظهور به صورت مستقیم است. همچنین، فناوری عنصر مهم ایجاد شغل و ارزش های اجتماعی است. در حالی که دیپلماسی اقتصادی، به منزله ابزار، واجد امتیازات کوتاه مدتی است، دیپلماسی علمی مبتنی بر فناوری میتواند به مثابه ابزار قدرت نرم در افزایش قدرت نرم جوامع مورد توجه قرار گیرد. همچنین به اشتراک گذاشتن فناوری برای افزایش انتخاب های زندگی مردم و تقویت کالاهای عمومی و اجتماعی باعث میشود که به منزله ابزار مهمی در تقویت سیاست خارجی یک کشور به کار رود. این جنبه از قدرت نرم را بسیاری از ملت ها به صورت کارآمد و مؤثر استفاده نمیکنند. علم و فناوری ابزارهای تکمیلی برای بهره برداری از امتیازات قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی در اقتصاد دانش بنیان جهانی در حال ظهورند. به ویژه در اقتصادهای نوظهور بخش خصوصی مهمترین بخش در پیشبرد دیپلماسی علمی است. (باقری دولت آبادی، ۲۰۲۳: ۳۲۱)

۳. نظریه کارکردگرایی

این گروه از نظریه پردازان همگرایی معتقدند واحدهای جداگانه سیاسی قادر به تأمین خواست ها و نیاز های انسانی در چهار چوب بسته خود نیستند و احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جستجو کرد و در همین راستا بسط سازمان های بین المللی که منافع ملی را سطح منافع همگانی ارتقاء می دهند، دولت ها را از پوسته خود خارج کرده و عاملی برای کاهش تنشجات و استقرار صلح خواهد شد. از نظر این گروه برخی از کارکردها نظیر نظارت بررفت و آمد دریایی و نقل و انتقال های بین الملل و نیز پخش برنامه های رادیویی فراتر از سطوح ملی بوده و نیاز به همکاری های بین المللی دارد و باید برخی از مسائل تخصصی و تکنیکی غیر سیاسی را به یک سازمان بین المللی تفویض کرد. این نظریه متضمن نوعی اصل انشعاب است به این معنی که همکاری کارکردی در یک بخش باعث ایجاد احساس ضرورت همکاری در بخشی دیگر می گردد. (بیگی، ۱۳۸۸:

به همین جهت کارکرد گرایی به دلیل زیر سوال بردن تحول ناپذیری دولت ها و منافع آن ها و تأکید به طرح هایی در جهت همکاری و پرهیز از چهارچوب مبتنی بر برد و باخت به شدت با واقع گرایی در تضاد است. کارکرد گرایان (فانکسیو نالیست ها) و نئو کارکرد گرایان افزایش همگرایی را نیازمند افزایش هزینه های فنی و تکنولوژی کشورها و تقویت عامل اراده و عزم سیاسی آنها را ایجاد و توسعه همگرایی می دانند. کارکرد گرایان همچنین بنابر نظریه کانتوری و اشیگل نیز همگرایی را وضعیتی می پندارند و معتقدند که در حقیقت وضعیت ها و ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی، نژادی و موج همگرایی می شوند. مهمترین نظریه پردا کارکرد گراها دیوید میترانی براین باور است که اسیر قانونمندی ها و ملاحظات سهمیم شدن در قدرت است و کارکرد گرایی که به تمهیداتی برای نیازهای مشترک می اندیشد، تعارضاتی وجود دارد. میترانی معتقد است مباحث امروزی در روابط بین المللی به نفع فرا ملی گرایی و وابستگی متقابل است. وی پیچیدگی فزاینده نظام های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیر سیاسی دولت ها را افزایش می دهد. میترانی^۱ استدلال می کند: همکاری های مشترک در یک حوه فنی یا کارکردی احتمالاً زمینه را برای مساعی مشترک در سایر زمینه ها را فراهم می کند.

۴. تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه ونزوئلا و ایران

۴-۱. تحریم های نفتی، صنایع و معادن ونزوئلا

ونزوئلا در زمینه صنایع و معادنی مثل نفت و طلا درآمد بسیار خوبی دارد. منبع تأمین بیش از ۹۵ درصد هزینه های ونزوئلا تهافت است. کاخ سفید ادعا می کند که دولت ونزوئلا با سرقت منبع باارزش نفت و ارسال آن به کشورهای دیگر، در راستای افزایش قدرت خود از طریق خرید فناوری های نظامی و اطلاعاتی مبادرت کرده و از این قدرت برای مقابله با مخالفان و نقض حقوق بشر استفاده میکنند؛ بنابراین وزارت خزانه داری در اوایل سال ۲۰۱۹ به طور ویژه شرکت ملی نفت ونزوئلا را با ادعای ارائه طرح های متنوع برای مقامات این کشور و ایجاد فضایی برای فسادهای میلیاردی و در نتیجه افزایش قدرت ثروتمندان فاسد به بهای وخیم تر شدن وضعیت عموم مردم هدف قرارداد..افزون بر این در حوزه

معادن مقامات آمریکا معتقدند که دولت مادورو با تجاوز به مناطق حفاظت شده جنگل زدایی و از بین بردن زیستگاه مردمان بومی، به سوء استفاده زیست محیطی و سیاسی از معدن کاوان و غارت درآمدهای حاصل از این معادن مبادرت می کند. همچنین به دلیل عدم توجه دولت به محیط زیست و پژوهش های زیست محیطی این معادن، سلامتی مردم محلی را به خطر انداخته است؛ بنابراین ایالات متحده بخش های مختلف صنایع و معادن این کشور را تحریم کرده می باشد. (مقیمی، ۲۰۲۳: ۲)

۲-۴. تحریم های حمل و نقل و کشتی رانی ونزوئلا

مطابق ادعای وزارت خزانه داری آمریکا، دولت مادورو بدون توجه به نیازهای اساسی مردم خود، با فروش منابع حیاتی ونزوئلا در ازای دریافت کمک های پزشکی نظامی و اطلاعاتی کوبا، باعث ضایع شدن حق مردم خود در تعیین خود مختاری تضعیف نهادهای جامعه مدنی فساد و نقض حقوق بشر شده است. تحریم کشتیرانی ونزوئلا با ادعای تلاش دولت مادورو برای سرقت منابع طبیعی این کشور و همچنین کمک به دوردزدن دیگر تحریم های آمریکا تصویب و اجرایی شد. بنابراین مطابق این فرمان ها دارایی این شرکت ها، نهادها و افراد مرتبط با آنها مسدود و آنها حق دسترسی به سیستم مالی آمریکا را نخواهند داشت (U.S. Department of Treasury, ۲۰۲۳-۲۰۱۶).

۳-۴. تحریم های نظامی و هسته ای ایران

تحریم های نظامی، بیشتر تحریم سپاه پاسداران، به خصوص شاخه برون مرزی آن یعنی سپاه قدس را شامل میشود ایالات متحده با این ادعا که فعالیت های سپاه پاسداران در خاورمیانه موجب بی ثباتی و در عرصه داخلی باعث نقض حقوق بشر شده، همواره خواستار اقدام جدی کشورها برای مقابله با این نهاد نظامی شده است. همچنین در عرصه هسته ای، همانند عرصه نظامی بر تحریم به عنوان راهکاری برای مقابله با ایران تأکید شده است؛ بنابراین تحریمهای که به واسطه برجام تعلیق شده بودند دوبار برقرار و کلیه املاک و مستغلات نهادهای نظامی در ایالات متحده بلوکه و هرگونه معامله آگاهانه با آنها ممنوع

اعلام شد. (U.S. Department of Treasury, ۲۰۲۳-۲۰۱۶).



۴-۴. تحریم های نفتی، صنایع و معادن ایران

تحریم صنایع و معادن ایران شامل صنعت نفت، فولاد، مس خودروسازی و دیگر صنایع فعال می شود؛ اما نقطه کانونی، آن صنعت نفت است که بیش از ۷۰ درصد از درآمدهای دولتی ایران را شکل میدهد دونالد ترامپ با ادعای اینکه درآمدهای نفتی هزینه ساخت موشک های بالستیک و اقدامات بی ثبات کننده ایران در منطقه خاورمیانه می شود؛ در دستورات اجرایی خود به این بخش توجه ویژه ای کرده و هرگونه فعالیت در این بخشها را ممنوع کرده است؛ همچنین صنایع دیگری مثل خودروسازی، آهن آلومینیوم و مس با ادعای تأمین مالی، مادی و فنی نیروهای سپاه قدس و مقاومت بسیج در لیست تحریم ها قرار گرفته اند. آخرین مورد از تحریمهای ایران در این حوزه تحریم شرکتهای مهم مرتبط با صنایع فلزی و لادی بود که با همان ادعاهای پیشین اعمال شد (۲۰۲۰-۲۰۱۶ U.S. Department of Treasury).

۴-۵. تحریم های حمل و نقل و کشتیرانی ایران

در دولت دونالد ترامپ تحریم حمل و نقل و کشتی رانی، ایران با احیای تحریم های تعلیق شده پیشین در دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ پیگیری شد و خطوط کشتیرانی و شرکت ملی نفت کش ایران با ادعای ارائه خدمات نظامی و امنیتی تحریم شدند. دونالد ترامپ با بیان اینکه ایران از حوزه حمل و نقل خود به صورت پوششی برای صادرات نیرو و سلاح به خاورمیانه و واردات مواد لازم پایگاه های موشکی و هسته ای خود استفاده می کند، با دستورهای اجرایی، متعدد هرگونه ارائه خدمات مالی تهیه و نگهداری قطعات و سوخت رسانی به آنها را ممنوع و همچنین اموال و املاک این شرکت ها را مسدود کرد (U.S. Department of Treasury, 2016-2020).

۵. گسترش روابط با آمریکای لاتین

سیاست خارجی را باید مجموعه ای از اهداف جهت گیری ها روش ها و ابزارهایی در نظر گرفت که یک حکومت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین المللی به منظور رسیدن منافع ملی دنبال کند. لذا وظیفه سیاست خارجی عبارتند از:

۱. حفظ استقلال کشور می باشد.
۲. تأمین نیازهای اقتصادی تجاری و نظامی می باشد.



۳. تامین پرستی بین المللی و در نهایت ارتقاء توانمندی یک کشور در بسیج نیروهاست. امروزه جهت در هم تنیدگی روابط خارجی در حوزه منافع کشورها وسیع تر گشته و نیازها و مزیت های گوناگون باعث میشود؛ همه کشورها در تلاش برای برقراری رابطه سیاسی اقتصادی سازنده ای با یکدیگر بر بیابند روابط ایران به کشورهای منطقه آمریکای لاتین نیز از این امر مستثنی نمی باشد. (رضوی، ۲۰۲۱: ۳۶۲) البته توجه به آمریکای لاتین از منظر ارزشهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز قابل پرداختن است چه اینکه؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحول شکل گرفته در عرصه سیاست خارجی با الهام از مبانی ارزشی دین مبین اسلام رویکرد جدید توجه به کشورهای اسلامی و مستضعفین و کشورهای جهان سوم را توصیه میکرد قانون اساسی نیز به روشنی ارجحیت های سیاست خارجی را روشن ساخته و آن ارتباط سیاسی با چهار گروه از کشورها به ترتیب اولویت؛ همسایگان کشورهای مسلمان کشورهای جهان سوم و کشورهایی که به نوعی از نیازهای سیاسی اقتصادی اجتماعی و یا نظامی ایران را برطرف سازند، می باشد.

۶. ابعاد دیپلماسی علمی ایران در منطقه آمریکای لاتین

۶-۱. فرهنگی و دیپلماسی عمومی

سیاسی و دیپلماسی رسمی از اهمیت بسیاری برخوردار است بواسطه همین مسئله ایران با استفاده از حمایت رؤسای جمهور کشورهایی همچون برزیل و ونزوئلا، تا حدودی خود را در منطقه معرفی کرده و با استفاده از سرمایه گذاری بر قشر فقیر آمریکای جنوبی عملاً تصویر مثبتی از خود در آمریکای جنوبی ترسیم کرده است. از دیگر موارد در جهت دیپلماسی عمومی، ایران استفاده از رسانه و شبکه خبری و برون مرزی جمهوری اسلامی ایران (هسپان تی وی) بوده است که توانسته است به صورت نسبتاً خوبی کشور و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را به مردم آمریکای جنوبی معرفی کند (Johnson, ۲۰۱۲: 11)

امروزه ایران در عرصه سیاست خارجی به دلیل فشارهای غرب برای محروم کردن ایران از فناوری هسته ای شاهد تنگناهای زیادی بوده است به ویژه اینکه چهره کشور در تمام سال های پس از انقلاب اسلامی همواره مورد تهاجم دشمنان و تبلیغات رسانه ای قرار داشته است. تصویر موجود از ایران در منطقه آمریکای لاتین بر اساس تبلیغات منفی دستگاه های خبری و اطلاعاتی غربی و عمدتاً آمریکا شکل گرفته بود که؛ فاصله

جغرافیایی زیاد و نبود روابط فرهنگی ایران با این کشورها، مزید بر علت بود. اگر چه در توزیع مناسبات ایران با آمریکای لاتین، روابط ایران و ونزوئلا، الگویی برای روابط تهران با دیگر کشورهای این منطقه است، اما مناسبات نزدیک تهران و برازیلیا نیز بیش از هر زمان دیگری ایران را به آمریکای لاتین پیوند داده است (حسینی، ۲۰۲۳: ۳۴۵). در حال حاضر، برزیل بزرگترین شریک تجاری ایران در منطقه است. حجم تجارت سالانه دو کشور در حال حاضر حدود ۲/۲ میلیارد دلار است. شاید مهمترین نکته ای که در این زمینه باید به آن توجه داشت این است که ایران تماسهای فرهنگی گسترده ای در منطقه بوجود آورده است. به طور کلی تراز تجاری میان ایران و آمریکای لاتین مثبت است که این امر نشان میدهد آمریکای لاتین نقش مهمی در تامین نیازهای ایران دارد همزمان نیز ایران سهم بزرگی در تامین نیازهای فنی و مهندسی کشورهای این منطقه دارد تا سال ۲۰۰۵ حجم تجارت ایران و کشورهای منطقه سالانه حدود ۳/۱ میلیارد دلار بود اما در سال ۲۰۱۲ این رقم تقریباً دو برابر شد و به ۶/۳ میلیارد دلار رسید (Berman, 2013).

در بررسی روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین یکی از اصلی ترین موضوعی که خود را نشان می دهد، مسئله ایالات متحده آمریکاست دیدیم که رویکرد سیاست خارجی ایران در روابط با آمریکای لاتین منافع محور بوده و به دنبال کسب منافع اقتصادی و افزایش ضریب امنیت ملی میباشد لذا در حالیکه این رویکرد هیجانی و صرفاً برای ابراز دشمنی با آمریکا نمیشد اما بالاخره امریکا یکی از موضوعات اصلی، در تدوین سیاست خارجی آمریکای لاتینی ایران است (پیرانی، ۲۰۲۱: ۳۸۰).

شکل گیری انقلاب اسلامی ایران یکی از نقاط عطف تاریخی محسوب می شود که رسالت تاریخی خود در فضای بین الملل را نقد فضای موجود نظام جهانی و تبیین نظام بین الملل مطلوب قرار داده است. عنصر ارزشی مقاومت البته در طول سالهای انقلاب اسلامی به جهت الگوی تهاجمی آمریکا در نظام جهانی و محدودیت های فراگیری که علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است منجر به افزایش اراده معطوف به مقاومت در سیاست خارجی ایران گردیده است لذا گفتمان مقاومت عرصه جهانی را محل برخورد نظام سلطه با جبهه مقاومت می داند و ایران را موظف به اتخاذ رفتارهای همگرا با جریانات مقاوم جهانی می کند (بختیاری، ۱۳۹۲: ۱۵).



تراز تجاری میان ایران و آمریکای لاتین مثبت می باشد که این امر نشان می دهد آمریکای لاتین نقش مهمی در تامین نیازهای ایران دارد. همزمان نیز ایران سهم بزرگی در تامین نیازهای فنی و مهندسی کشورهای این منطقه دارد. تا سال ۲۰۰۵ تجارت ایران و کشورهای منطقه سالانه حجم حدود ۳/۱ میلیارد دلار بود اما در سال ۲۰۱۲ این رقم تقریباً دو برابر شد و به ۶/۳ میلیارد دلار رسید. اگر چه در توزیع مناسبات ایران با آمریکای لاتین، روابط ایران و ونزوئلا، الگویی برای روابط تهران با دیگر کشورهای این منطقه است، اما مناسبات نزدیک تهران و برازیلیا نیز بیش از هر زمان دیگری ایران را به آمریکای لاتین پیوند داده است. در حال حاضر، برزیل بزرگترین شریک تجاری ایران در منطقه است. حجم تجارت سالانه دو کشور در حال حاضر حدود ۲/۲ میلیارد دلار است (Berma, ۲۰۱۳). براساس آمار رسمی وزارت توسعه صنایع و تجارت برزیل در ۶ ماهه نخست سال ۲۰۱۰ صادرات جمهوری اسلامی ایران به این کشور از افزایشی ۵۱۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۹ برخوردار بوده است. البته در همین مدت صادرات برزیل به ایران نیز ۵۸ درصد رشد داشته است رئیس جمهور وقت ایران با تایید استفاده از فرصت همکاری های مشترک بر این باور بود که حجم مبادلات تجاری ایران و برزیل تا سال ۲۰۱۵ به ۱۰ میلیارد دلار افزایش میابد (مرشدی، ۱۳۹۰) تاکنون سیزده بار جلسه کمیسیون های مشترک اقتصادی و تکنولوژیکی ایران و کوبا برگزار شده است در مورد ونزوئلا نیز، سفر رئیس جمهور وقت خاتمی در سال ۲۰۰۴ برای شرکت در نشست سران عدم تعهد سرآغاز روابط گسترده اقتصادی ایران با این کشور بود.

۶-۲-۱. پتانسیل های اقتصادی و تجاری منطقه ای

روابط ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین چه در سطح دو جانبه چه در سطح منطقه ای از ظرفیت های بالایی برای توسعه برخوردار است؛ مناسباتی که شاید قادر است خود موجد روندهایی نوین در سطوح جهانی شود کشورهای این منطقه در قالب پیمان های مرکوسور و آلبا اتحادیه های سیاسی اقتصادی تشکیل داده اند که هدف از تأسیس آنها دست یابی به یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای امضا کننده پیمان، از طریق ایجاد جریان آزاد کالا و خدمات در میان اعضا و هماهنگی سیاست های اقتصادی کلان و منطقه

ای است (دهبانی پور، ۲۰۲۳: ۳۳۹). بنابراین توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با کشورهایی چون برزیل و آرژانتین با توجه به نقش و وزن سیاسی این کشورها در معادلات منطقه ای بین المللی بسیار با اهمیت تلقی خواهد شد. اگر ایران با کشورهای آمریکای لاتین تشکیل بلوک تجاری دهد صادرات کالاهای خود را افزایش داده است. این در حالی است که؛ نقش و اهمیت توسعه صادرات در فرآیند توسعه اقتصادی نیز امری کاملاً پذیرفته شده است. مشارکت ایران در ادغام های اقتصادی و پیگیری سیاست های تجاری ترجیحی و آزادسازی روابط با کشورهای آمریکای لاتین کانال بسیار مناسبی برای توسعه روابط تجاری است (لطف علی پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۵)

۳-۶. ابعاد دولت سیزدهم در دیپلماسی علمی ایران در ونزوئلا

دولت سیزدهم در زمینه دیپلماسی علمی با ونزوئلا می تواند اقدامات متعددی را انجام دهد. برخی از ابعاد این فعالیت ها عبارتند از:

۱-۶.۳. تقویت همکاری های علمی: دولت می تواند برای تقویت همکاری های علمی

بین ایران و ونزوئلا اقداماتی انجام دهد. این شامل برگزاری کارگاه ها، همایش ها و نشست های علمی مشترک، تبادل اساتید و دانشجویان، ایجاد پروژه های مشترک و انتقال فناوری می شود.

۲-۶.۳. تسهیل دسترسی به منابع علمی: دولت می تواند تسهیلات لازم را برای

دسترسی به منابع علمی بین ایران و ونزوئلا فراهم کند. این شامل ایجاد ارتباط و همکاری با کتابخانه ها، نشریات علمی و مراکز پژوهشی است.

۳-۶.۳. ارتقای تحقیقات مشترک: دولت می تواند برای ارتقای تحقیقات مشترک بین

ایران و ونزوئلا تلاش کند. این شامل تسهیل همکاری در زمینه های مختلف علمی، تبادل دانشمندان و تحقیقات مشترک در زمینه های استراتژیک و نوآوری است (موسوی موحدی، ۱۳۹۲: ۸۹).

۴-۶.۳. تسهیل انتقال فناوری: دولت می تواند تسهیلات لازم را برای انتقال فناوری از

ایران به ونزوئلا فراهم کند. این شامل ایجاد ارتباط بین دانشگاه ها و شرکت های فناوری، تبادل تجربیات و دانش فنی و انتقال فناوری است.



۶.۳.۵. ترویج فرهنگ علمی: دولت می‌تواند برای ترویج فرهنگ علمی در ونزوئلا اقداماتی انجام دهد. این شامل برگزاری نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی، انتشار مقالات و کتب علمی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی درباره موضوعات علمی و ترویج همکاری‌های علمی است. دولت سیزدهم با انجام این اقدامات می‌تواند دیپلماسی علمی ایران در ونزوئلا را تقویت کرده و همکاری‌های علمی و تحقیقاتی بین دو کشور را گسترش دهد. (دولت ابادی، ۲۰۲۳: ۳۴۶)

۶-۴. بهبود تصویر عمومی ایران با کشورهای آمریکای لاتین و خصوصا ونزوئلا
دولت ۱۳ می‌تواند با استفاده از دیپلماسی علمی، بهبود تصویر عمومی ایران را با ونزوئلا در گسترش روابط دو کشور تقویت کند. برای این منظور، دولت ۱۳ می‌تواند از راه‌های زیر استفاده کند:

۱. **تبادل دانش و فناوری:** دولت ۱۳ می‌تواند از طریق تبادل دانش و فناوری با کشورهای آمریکای لاتین و خصوصا ونزوئلا همکاری کند. این همکاری می‌تواند شامل تحقیقات و توسعه، فناوری‌های پیشرفته و تجربیات علمی مشترک باشد که می‌تواند به تصویر مثبت ایران در حوزه علمی و فناوری کمک کند. (مقیم، ۲۰۲۳: ۱۸)
۲. **تبادل دانشجویان و محققین:** دولت می‌تواند برنامه‌هایی برای تبادل دانشجویان و محققین با کشورهای آمریکای لاتین و خصوصا ونزوئلا ایجاد کند. این تبادلات می‌تواند به ایجاد ارتباطات فرهنگی و تبادل تجربیات علمی بین کشورها کمک کند.
۳. **همکاری در زمینه‌های مشترک:** دولت ۱۳ می‌تواند با ونزوئلا در زمینه‌هایی مانند تحقیقات فضایی، پزشکی، فناوری اطلاعات، انرژی همکاری کند. این همکاری می‌تواند به توسعه مشترک و بهبود تصویر عمومی ایران در سطح بین‌المللی کمک کند. (بیگی، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

نتیجه‌گیری

دیپلماسی علمی بازیابی نقش مهمی در توسعه روابط بین کشورها دارد. در مورد روابط ایران و آمریکای لاتین، به عنوان یک مطالعه موردی، توسعه روابط دوجانبه بین ایران و ونزوئلا از طریق دیپلماسی علمی می‌تواند به دست آید. نقش دیپلماسی علمی در گسترش

روابط ایران و ونزوئلا به چندین نحو می تواند موثر باشد. اولاً، تقویت همکاری علمی بین دو کشور می تواند به تبادل دانش، تجربیات و منابع علمی بین دانشگاه ها، پژوهشگاه ها و محققان در دو کشور کمک کند. این تبادل می تواند به ایجاد پروژه های مشترک، تحقیقات مشترک و تبادل دانشمندان و دانشجویان منجر شود. ثانیاً، دیپلماسی علمی می تواند به تسهیل دسترسی به منابع علمی برای دانشگاه ها، پژوهشگاه ها و محققان در دو کشور کمک کند. این شامل تسهیل ارتباط با کتابخانه ها، نشریات علمی و مراکز پژوهشی می شود. این اقدامات می توانند به بهبود کیفیت تحقیقات و افزایش توانایی علمی دانشگاه ها و پژوهشگاه ها در دو کشور کمک کنند. سوماً، دیپلماسی علمی می تواند به تبادل فناوری بین دو کشور کمک کند. این شامل انتقال فناوری، تبادل تجربیات و دانش فنی و ایجاد ارتباط بین دانشگاه ها و شرکت های فناوری می شود. این تبادل فناوری می تواند به توسعه صنایع فناوری و تحقیقاتی در دو کشور کمک کند و از طریق آن تجارت و همکاری اقتصادی نیز تقویت شود. در نتیجه، دیپلماسی علمی با توجه به ابعاد متعددی که در توسعه روابط دوجانبه می تواند داشته باشد، می تواند نقش مهمی در گسترش روابط ایران و آمریکای لاتین، به ویژه در مورد ونزوئلا، ایفا کند. این نقش شامل تقویت همکاری علمی، تسهیل دسترسی به منابع علمی، تبادل فناوری و ارتقای تحقیقات مشترک است. این اقدامات می توانند به تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور کمک کنند و به تحقق منافع مشترک هر دو کشور بیانجامند.

فهرست منابع

۱. رضوی، سید عبدالله، و پیرانی. (۲۰۲۱) بررسی راهبردها و سیاست های ضد تحریمی تجارت نفت ونزوئلا و مقایسه آن با راهبردهای ایران. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۰ (۳۷)، ۳۸۶-۳۵۱.
۲. مالک، باقری دولت آبادی، حسینی، سید عقیل، و دهبانی پور. (۲۰۲۳). مقایسه تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه ج. ا. ایران و ونزوئلا در دوره ریاست جمهوری دانشجویان و تاثیرات اقتصادی آن. مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۶ (۱)، ۳۵۳-۳۲۱.



۳. موسوی موحدی، علی اکبر و ابوالفضل کیانی بختیاری (۱۳۹۲) «دیپلماسی علم و

فناوری»، نشریه نشاء علم، س ۲، ش ۲

۴. بیگی، مهدی (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام

صادق علیه السلام

۵. مقیمی، طلحه، آراسته، محمدخانی، کامران (۲۰۲۳)، توسعه دیپلماسی علم و فناوری در

ایران و تاثیرات نظام آموزش عالی بر آن، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش

عالی. ۱_ ۲۰، ۹(۳).

6. Thoene, U., García Alonso, R., Dávila Benavides, D. E., Roa Sánchez, P. A., & Cuestas Zamora, E. (2023). Russia in Latin America: Why support Venezuela in a crisis?. *International Social Science Journal*.

7. Echeverría-King, L. F., Fossati, A., Raja, N. B., Bonilla, K., Urbani, B., Whiffen, R. K., & Vizinová, T. (2023). Scientific collaborations between Latin America and Europe: an approach from science diplomacy towards international engagement. *Science and Public Policy*, scad025.

8. Esberg, J., & Siegel, A. A. (2023). How exile shapes online opposition: Evidence from venezuela. *American Political Science Review*, 117(4), 1361-1378

9. Ferreira, G. G. C., Lyra, R. P., & de Oliveira, A. J. S. Measuring Brazilian science diplomacy: what do international students think of Brazil?.

10. Jarrín, Mario Torres, and Shaun Riordan. *Science Diplomacy, Cyberdiplomacy and Techplomacy in EU-LAC Relations*. Vol. 25. Springer Nature, 2023.

11. Cardozo, A., & Niño, C. (2023). Iran and Venezuela: From peripheral realism to resilient diplomacy (1999-2023). *Revista Relaciones Internacionales*, 96(1), 165-190.

12. Berman, Ilan (2013), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere", Testimony before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>

13. Echeverría-King, L. F., Camacho Toro, R., Figueroa, P., Galvis, L. A., González, A., Suárez, V. R., ... & Widmaier Müller, C. N. (2022). Organized scientific diaspora and its contributions to science diplomacy in emerging economies: the case of Latin America and the Caribbean. *Frontiers in Research Metrics and Analytics*, 7, 893593.

14. Thies, C. G. (2017). Role theory and foreign policy analysis in Latin America. *Foreign Policy Analysis*, 13(3), 662-681.

15. Xu, Y. (2016). China's strategic partnerships in Latin America: Case

studies of China's oil diplomacy in Argentina, Brazil, Mexico and Venezuela, 1991 to 2015. University of Miami.

16. Rosenau, James N. and Mary Durfee (2000). *Thinking Theory Thoroughly: Coherent Approaches to an Incoherent World*, Boulder, Colo.: Westview Press

17. U.S. Congress. (2016, July 7), Venezuela Defense of Human Right and Civil Society Extension Act of 2016. <https://www.congress.gov> (2023/1/17)

18. U.S. Congress. (2016-2020), Iran Sanctions. <https://www.congress.gov> (2023/1/17)

19. U.S. Department Of State. (2016-2020), Iran-Related Sanctions (Remarks and Releases), [https:// www.state.gov/iran-sanctions/#Releases](https://www.state.gov/iran-sanctions/#Releases) (2023/1/17).



